

< هوا الحكيم >

عنوان:

اثبات خاتمیت نبی مکرم اسلام (ص)



دکترو رحید باقر پور کاشانی

◎ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانَ ◎



@SERATEHAGH1

بیینید ما یک آیه در قرآن داریم، آیات دیگهای هم مفهوماً می‌شه بحث خاتمیت رو مطرح بکنیم، روایات که غوغاست!

من فقط اشاره بکنم؛ در سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب، آیه‌ی ۴۰: «ما کانَ مُحَمَّدُ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا». محمد صلی الله علیه وآلہ وسلم، به تعبیری پدر هیچ یک از شما مردان نبوده و نیست؛ مگر که ایشان رسول خدا و به تعبیری ختم‌کننده و آخرین پیامبران، و خداوند هم به هر چیزی عالمه یا آگاه هست. این عبارت خاتم‌النبویین، از این عبارت استفاده کردن که بله این مشخصه که قرآن هم گفته که ایشان به عنوان پیامبر خاتم هست. منتها با بهائی‌ها هم مناظره داشتم، با این‌ها که بحث می‌کنی می‌گن آقا خاتم، نگین انگشتريه! می‌گن یک معنا بله! خاتم، به معنی آخره؛ یک معنای دیگه هم نگین انگشتري هست؛ یعنی پیامبر اکرم در بین تمام این انبیاء به مانند نگین می‌درخشید! یعنی ارزش و مقام و بهاء داره! گوهره به تعبیری؛ از این تشبيهات زیاد شده. مثلاً می‌گن قمر منیر بنی‌هاشم! تو بنی‌هاشم می‌گن ایشان مثل‌اً مثل ماه می‌درخشید.

قمر منیر بنی هاشم سلام الله عليه. حالا ببینید در مورد پیامبر هم می گه بله گفته خاتم النبیین! یعنی خاتم نبی این نگین در بین انبیاء هست؛ چنین تعبیری رو کردن. ما روایات رو بیایم نگاه بکنیم؛ روایاتی که تواتر داره و فوق تواتر هست. مثلاً یک روایت رو من فقط عرض بکنم نمی خوام بحث خاتمیت رو مطرح بکنم؛ بحث خاتمیت رو مرحوم آشیخ «آیت الله علامه مجتبی قزوینی» در بحث نبوت «کتاب بیان الفرقان» مطرح کرده، این یک بحث مستقلیه. ما می خوایم شبهه رو فقط مرتفع بکنیم. حدیث، حدیث منزلت هست؛ حدیثیه که شیعه و سنی نقل کردن، حدیث، حدیث متواتری هست؛ تا جایی که صحیح مسلم آورده! صحیح بخاری آورده! صحیح بخاری، جلد چهارم صفحه‌ی ۱۶۰۲ و صحیح مسلم هم جلد چهارم، صفحه‌ی ۱۸۷۱ آورده. ابن عبدالبر در الاستیعاب، جلد سوم، صفحه‌ی ۱۰۹۷، عبارتش رو نگاه می کردم، عبارت اینه: از متقنترین روایات و صحیحترین روایاتی که از پیامبر گزارش شده همین حدیث منزلت هست!

غیر از ماجرایی که در ارتباط با جنگ تبوك بوده، غزوه‌ی تبوك بوده، و جانشینی آقا امیرالمؤمنین که یکی از روایت‌هایی که می‌شه استفاده کرد بر اثبات ولایت بلافصل آقا امیرالمؤمنین، همین حدیث منزلت هست!

حدیث چیه؟ «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَأَنَّبَيَّ بَعْدِي» ترجمه‌ی حدیث اینه: تو نسبت به من، به منزله‌ی هارون نسبت به موسایی! پیامبر به حضرت امیر گفت. هارون نسبت به حضرت موسی چه جایگاهی داشت؟ هارون جانشین حضرت موسی بود دیگه! وقتی که غیبت کرد به امر الهی، حضرت موسی رفت، هارون رو قرار داد به عنوان جانشین خودش، و این دعاوی که حضرت موسی می‌کنه و این هارون رو خداوند تأیید می‌کنه به عنوان نبی الهی انتخاب می‌کنه، این می‌شه جانشین حضرت موسی. یعنی تمام جایگاهی که حضرت موسی داشت ولایتی که داشت نسبت به قوم، حضرت هارون هم چنین بود!

سپرد امت رو به حضرت هارون و رفت. حالا پیامبر چی
می گه به امیرالمؤمنین؟ می گه:
«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى»

هارون نسبت به موسی چه جایگاهی داشت؟ تو علی هم
نسبت به من پیامبر چنین جایگاهی داری! عبارت اینجا اینه:
«إِلَّا أَنَّهُ لَأَنَّبِيَّ بَعْدِي»

الا این که بعد من دیگه پیامبر نمیاد! این خاتمیت رو داره
می رسونه دیگه! روایتی که شیعه و سنی گزارش کردن دیگه!
بعد من «لانبی بعدی» بعد من پیامبری نمیاد! خاتمیت هست
دیگه!